

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فریبرز سنجرى
۰۷ جولای ۲۰۱۹

ماهیت اختلاف و تشنج حکومت‌های امریکا و ایران

نقش و وظیفه مخالفان رژیم اسلامی در تشنج بین حکومت‌های امریکا و ایران

توضیح: آن چه در زیر می‌آید متن گفتگوی رادیو همبستگی در استکهلم - سویدن با رفیق فریبرز سنجرى از چریک‌های فدائى خلق ایران در ارتباط با تشدید تشنج بین دولت‌های امریکا و جمهوری اسلامی می‌باشد که در تاریخ شنبه اول جون ۲۰۱۹ انجام گرفت. "پیام فدائی" این گفتگو را از گفتار به نوشتار تبدیل کرده و با برخی اصلاحات جزئی به این وسیله در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

رادیو همبستگی: تشنج در روابط امریکا و جمهوری اسلامی همچنان ادامه دار است. با این که گفته‌های دونالد ترامپ در ژاپن و تأکید او بر مذاکره (با جمهوری اسلامی) اما بحران فروکش نکرده و این پرسش همچنان هست که سرانجام این تشنج‌ها چگونه رقم خواهد خورد و ماهیت این اختلاف و تشنج چیست؟ با فریبرز سنجرى از چریک‌های فدائى خلق ایران گفتگو می‌کنیم.

پرسشگر رادیو همبستگی: آقای سنجرى درود بر شما و خوش آمدید.

فریبرز سنجرى: با درود به شما و با درود به شنوندگان عزیز رادیو تون.

پرسشگر: آقای سنجرى ارزیابی شما از این تشنج‌ها و تبلیغات جنگی در رابطه امریکا و جمهوری اسلامی چیه؟ به

خصوص این که ترامپ در تازه‌ترین اظهاراتش گفته که در پی مذاکره است و قصد تغییر حکومت ایران را ندارد؟

پاسخ: بله درست می‌گید. در سفر ژاپنش به این مسأله تأکید کرده؛ ولی امر تازه‌ای نیست، از همون موقعی که این‌ها این بحران را دامن زدند و به هر حال تلاش کردند که تا میتونن شعله هاشو گر بدن، ترامپ همواره این را گفته که ما داریم فشار می‌آوریم تا جمهوری اسلامی را بکشانیم سر میز مذاکره و خواهان تغییر رژیم هم نیستیم و با بالا گرفتن همین تشنج‌ها همین حرف را و این سیاست را ما از زبان جان بولتون [مشاور امنیت ملی کاخ سفید] و پمپئو وزیر خارجه امریکا هم که شنیده‌ایم. یعنی این که این تازه نیست. آن‌ها در حالی که این بحران را تشدید می‌کنند و نیروی

نظامی می‌فرستند و فشار می‌آورند؛ تحریم هاشون را هم تشدید کردند و گفتند که می‌خواهیم که فروش نفت را به صفر برسانیم. خب از این ور هم میگویند که ما خواهان تغییر این رژیم نیستیم و خواهان مذاکره هستیم در شرایطی که خوب خامنه‌ای هم مذاکره را بی‌فایده اعلام کرده و مدعی شده که یه چیزی مثل سم می‌مونه. مذاکره با امریکا سم مضاعفه و بخصوص هم که اخیراً تاکید کرده که موضوعات ناموسی و اساسی انقلاب را هم نمی‌شه روش مذاکره کرد.

این وضعیه که در نگاه اول در منطقه حاکمه. ولی خب نباید به تمام آن چیزهائی که فقط تبلیغ می‌شه توجه کرد و تکیه کرد. باید شرایط را در نظر گرفت و رابطه نیروها را تا به نظر من بتوانیم نزدیک بشیم به این که چی داره می‌گذره. به باور ما جمهوری اسلامی رژیمی است که خودش در ۴۰ سال گذشته از سوی امپریالیستها به قدرت رسیده برای سرکوب انقلاب ایران و در این ۴۰ سال هم هیچ موردی نبوده که این رژیم منافع آن‌ها را تأمین نکرده باشد و به نفع آن‌ها کار نکرده باشد. حالا من به دلیل محدودیت های زمانی این برنامه دیگه نمی‌روم مورد به مورد را اسم ببرم ولی شنوندگان شما می‌تونن با نگاهی به آن چه که در این ۴۰ سال گذشته، ببینند که مثلاً در جنگ ایران و عراق چگونه این‌ها به نفع کارتل های نظامی امپریالیستی کار کردند و بر آتش جنگ دمیدند. ۸ سال مردم ما را به یک جنگ واقعاً امپریالیستی غیر عادلانه کشوندند. در جریان تجاوز امریکا به افغانستان و عراق یار و مددکار آن بودند؛ بهش کمک کردند؛ [و این] امری است که هم خودشون می‌گن و هم آن‌ها انکار نمی‌کنند. به هر حال شرایط اینه اگه می‌خواهیم واقعاً پی ببریم که چی داره می‌گذره، باید این تبلیغات ریاکارانه رسانه‌های امپریالیستی و جمهوری اسلامی را کنار بگذاریم و ببینیم که در ماهیت امر، روابط چگونه است.

پرسشگر: خوب آقای سنجری این ماهیت اختلافات و تشنج امریکا و جمهوری اسلامی چی است از نظر شما؟

پاسخ: ببینید برخی ها ادعا می‌کنند که جمهوری اسلامی می‌خواهد هژمونی پیدا کند در منطقه و به این خاطر با امریکائی که هژمونی داره در جدال است. [ادعا می‌شود] این‌ها با هم مخالفت می‌کنند چرا که هر کدام مثلاً سهم بیشتری از آن کیک منطقه را می‌خواهند. این یک تحلیل خیلی سطحی و نادرست و مبتنی بر همین تبلیغات این دو طرفه. در حالی که جمهوری اسلامی اگر کسی سیاست خارجی شو در منطقه دنبال بکنه [می‌بینه] میلیاردها دلار بودجه این مملکت داره صرف حضور جمهوری اسلامی در لبنان، سوریه، عراق و یمن و افغانستان می‌شه. وقتی که ما به قول معروف فکر می‌کنیم روی مسأله جنگ به طور طبیعی همه مون می‌گیم، شنیدیم و خوندیم که می‌گن که جنگ ادامه سیاست به شکل دیگه ای است. خب آن سیاست هم به طور طبیعی فشرده اقتصاد است. خب باید ببینیم که این جمهوری اسلامی که میلیاردها دلار داره در این منطقه خرج می‌کنه چه سودی از این خرج‌ها به قول معروف به کاسه اقتصاد ورشکسته اش می‌رسه. اون هم تو شرایطی که مردم دارند فریاد می‌زنند "سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن" در خیابان‌ها. پس این نشون می‌ده که این سیاست، سیاستی نیست که انعکاس منافع اقتصادی خود جامعه ایران و سرمایه داران ایران باشد. یعنی چنین سیاستی بورژوازی وابسته ایران را به سود نمی‌رسونه. در حالی که این‌ها این کار را می‌کنند به خاطر این که وابسته اند به امپریالیسم و خطوط سیاسی شون در سیاست خارجی رو امپریالیست‌ها براشون تعیین کردند و این‌ها هم پیشش می‌برند.

بگذارید بگم که یه چیزی چند روز پیش خوندیم یکی از مشاورین اردوغان همین دیکتاتور ترکیه، وقتی که این خبرهای تشنج بین جمهوری اسلامی و امریکا بالا گرفته بود گفت این جمهوری اسلامی مرغ تخم طلایی امریکاست هر دفعه شلوغش می‌کنن می‌گن که قراره بهش حمله کنیم بعد یکی دیگر را به قول معروف بهش حمله می‌کنند و موقعیت این رو دوباره قوی‌تر و بهتر می‌کنند.

ما آگه نگاه کنیم در دوره بوش هم می گفتند به جمهوری اسلامی حمله می کنیم ، بعد به عراق حمله کردند؛ موقعیت جمهوری اسلامی قوی تر شد. [جدا از] عراق به افغانستان هم حمله کردند و موقعیت جمهوری اسلامی باز هم قوی تر شد.

به هر حال اگر می خواهیم بفهمیم که چی داره می گذره ، باید حتماً وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیست ها را در نظر بگیریم. ما با این نگاه می توانیم بفهمیم که این برنامه ای که گذاشتن و این تشنج هائی که گذاشتن و این "ایران هراسی" که راه انداخته اند اصولاً بهترین وسیله ای است که کارتل های نظامی آن ها کالاهاشون را در منطقه آب کنند، بفروشند و از سوی دیگه با تحریم نفت ایران. شما نگاه کنید که هم نفت ایران را تحریم کردند و هم نفت ونزوئلا را تحریم کردند. هم در لیبی تشنج ایجاد کردند. خب شما ببینید همه این کشورها، کشورهای نفت خیزند و با این تحریم ها و تشنجات ها صادرات نفتشون پائین می آید و امکان پیدا می کند که برای انحصارات نفتی امریکائی که میلیارد ها دلار از این بازی سود ببرند.

پرسشگر: آقای سنجرى به هر حال این تشنجه ها و اختلافات را به لحاظ خطر جنگ باید جدی گرفت دیگه!

پاسخ: ببینید هیچ موضوعی را نباید سرسری ازش گذشت ، خطر جنگ را باید جدی گرفت ولی نباید فریب تبلیغات رسانه های امپریالیستی و تبلیغات دار و دسته ترمپ و خامنه ای را خورد. باز البته ممکنه در یک شرایط خاصی ممکنه که امریکا به قول معروف بخواد جمهوری اسلامی را هم برداره یا با همین اصطلاحی که الان رایج است "رژیم چنج" کنند. ولی این موقعی است که منافع استراتژیکش حضور مستقیم خودش را در ایران الزامی کرده. آن موقعی است که جمهوری اسلامی نتونسته مبارزات مردم را سرکوب بکند. نه حالا که به هر حال این همه وظایفش را انجام داده و الان هم که ما به صحنه نگاه می کنیم و به تبلیغات دو طرف نگاه می کنیم این یک امر روشنی است که فعلاً یک چنین حمله ای در کار نیست. این ها فعلاً دارن به قول معروف تنور را هی داغ می کنند تا به هر حال شرایط برای پخت نانшон آماده بشه.

پرسشگر: بله. در اختلافات میان امپریالیست ها ، جمهوری اسلامی کدوم طرف قرار داره؟ طرف امریکا و یا روسیه و چین؟

پاسخ: ببینید این سؤال خیلی خوبیه و تا جائی هم که من می دونم ذهن خیلی ها را به خودش مشغول کرده. ما وقتی که می خواهیم یک پدیده را بشناسیم باید شکل گیری اش را هم در نظر بگیریم. جمهوری اسلامی در کنفرانس گوادلوپ با شرکت امریکا، انگلستان، آلمان و فرانسه به طور قطعی به عنوان آلترناتیو رژیم شاه تأیید شد. بعد شرایط روی کار آمدنش را آماده کردند. در نتیجه آن هائی که جمهوری اسلامی را روی کار آوردند یک اهداف مشخصی هم داشتند که آن اهداف هم پنهان نیست. کسان مختلفی هم این ها را گفتند. چه از طرف امریکائی ها و چه حتی از برخی از مثلاً خود آن عناصری که اون مقطع در این مذاکرات بودند مثل دکتر یزدی. گفتند که امریکائی ها یک چیزهای مشخصی را از خمینی می خواستند و اون هم قبول کرد و آن ها هم آوردنش روی کار و بعد از اون وظیفه داشت که به اسم انقلاب، انقلاب را سرکوب کند که اون هم کرد. همه ما شاهد هایش هستیم و کسانی هستیم که داریم اون درد و رنج سرکوب انقلاب را همه مون – سالهاست - با خودمون حمل می کنیم. در نتیجه آگه بخوایم بدونیم که کی این خط را پیش می بره این موردها را باید در نظر بگیریم.

ببینیم مثلاً در جنگ ایران و عراق ، جمهوری اسلامی ۸ سال بر طبل جنگ کوبید بعد تازه وقتی هم که آتش بس می‌خواست مطرح بشه گفت که این جام زهر را سر کشیدیم از این جنگ کی سود می‌برد؟ آیا اقتصاد ایران و یا اقتصاد عراق سود می‌بردند یا نه، امپریالیست‌ها یک جنگی درست کردند و میلیارد ها دلار اسلحه فروختند و جیب خودشان را پُر کردند. هر دو ، هم امپریالیست‌های غربی و هم آن موقع که به هر حال اتحاد جماهیر شوروی بود. همشون در این جنگ سود می‌بردند. همه هم رسماً بی‌طرف بودند.

حالا وقتی نگاه می‌کنیم خطی را که جمهوری اسلامی پیش می‌بره و سیاست خارجی اش، کاملاً به نفع امریکا من می‌بینم این خط رو. درسته که در سوریه مثلاً در کنار روسیه قرار داره ولی همه جا این تشنجی را که آن‌ها می‌خواهند تا با تکیه بر این تشنج حضور خودشان را، حضور نظامی خودشان را توجیه کنند و بعد زمینه را برای فروش کالا هاشون آماده کنند و بعد برخی جاها هم حتی حضور مستقیم نظامی شون را [اعمال] بکنند این [را جمهوری اسلامی] برایشان فراهم می‌کند.

مثلاً الان در همین بحران اخیر شما اگه نگاه کنید امریکائی‌ها امکان حضور مستقیم نظامی در عربستان و امارت متحده را گرفتند؛ از چند روز پیش رسماً می‌تونن نیروهای نظامی شون را آن جا مستقر کنند. یک نکته دیگه را هم باید توجه کرد که خوب وقتی که می‌رویم توی اقتصاد ایران ، اقتصاد ایران بر اساس خطوطی که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تعیین می‌کنند داره پیش می‌ره. در نتیجه در آن دو نهاد بین‌المللی هم حرف آخر را امریکا می‌زنه؛ من فکر می‌کنم چیزی را که ما می‌بینیم گفته می‌شه که جمهوری اسلامی مرغ طلایی امریکاست حرف بی‌ربطی نیست.

پرسشگر: من، منظورم این بود که در شرایط امروز در مدار کدام یکی از این‌ها قرار داره؟

پاسخ: توضیح دادم. من او را در همون مدار ترمپ و ترمپیست می‌بینم. ما نباید فریب تبلیغات را بخوریم. در دوران رفسنجانی اگه فراموش نکرده باشیم و خمینی، این‌ها در حالی که مرگ بر امریکا می‌گفتند ، مک فارلن اومده بود ایران و نشسته بود براشون کیک آورد، انجیل آورد، یا اسلحه براشون آورد. کلی از نیازهای جنگ شون با عراق را تامین کرد. در حالی که همون روزها هم اینها فحش می‌دادند و تازه سفارت امریکا را هم گرفته بودند و افراد داخل سفارت را هم که حالا دیپلمات و غیر دیپلمات ۴۴۴ روز اسیر خودشان کرده بودند. الان هم به نظر من اون خطی که پیش داره می‌ره، اون خط امپریالیست‌ها و بخصوص امپریالیسم امریکاست.

پرسشگر: آقای سنجری نقش و وظیفه نیروهای مخالف جمهوری اسلامی هر چند که طیف بندی های مختلف هم دارند از نظر شما چی هست؟ چکار باید بکنند و چکار می‌توانند بکنند؟

پاسخ: ببینید وقتی که این شرایط بحرانی پیش اومد، اصلاً از قبل، مدتهاست یک عده‌ای در صفوف مخالفین جمهوری اسلامی هستند که کاملاً سینه می‌زنند برای دخالت نظامی و تجاوز امریکا به ایران و فکر می‌کنند که از این شلوغی و از این حمله و از این جنگ [از این نمد] کلاهی هم نصیب آن‌ها خواهد شد و به قول معروف چیزی هم به آن‌ها می‌رسه و به قدرت [می‌رسند]. این‌ها طرفداران تجاوز امریکا به ایران هستند. یک عده‌ای هم هستند برعکس به اسم مخالفت با امریکا از جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند.

به نظر من یکی از وظایف نیروهای انقلابی افشای این سیاست‌ها، مخالفت با آن‌ها و بخصوص نشون دادن ماهیت واقعی آن چه [هست] که در واقعیت داره می‌گذره. مردم ما نباید فریب تبلیغات این دو طرف را بخورند. نه وقتی که خامنه‌ای میاد و می‌گه نه جنگ می‌شه و نه مذاکره در حالی که در همون لحظه نمایندگان اش رو فرستاده برای

مذاکره این طرف و اون طرف؛ این دروغ‌ها و این فریب کاری‌ها را باید افشاء کرد. ماهیت این جنگ‌ها را باید افشاء کرد و مردم و کارگراها و توده‌های ستم دیده را برای نابودی جمهوری اسلامی بسیج و سازماندهی کرد. وظیفه یک نیروی انقلابی، وظیفه کمونیست‌ها در شرایط کنونی تأکید روی سازماندهی توده‌ها و طبقه کارگر و پیدا کردن اشکال مبارزاتی و سازمانی است که این کار را پیش می‌بره و عمل به آن است. بخصوص لبه تیز تبلیغاتشون باید افشاء فریب کاری‌های رسانه‌های امپریالیستی و جمهوری اسلامی باشد.

پرسشگر: متشکرم. آقای سنجری شما یک تأکیدی کردید و می‌کنید روی وابستگی جمهوری اسلامی. به لحاظ تئوریک می‌گم، از چه نظر؟ اقتصادی یا سیاسی؟ اجازه بدید یک توضیحی بدم. نظریه وابستگی در دهه شصت، خب توی آن موقع دنیا یعنی تقسیم کاری که در نظام سرمایه داری بود، مرکز و حاشیه تو نظام بین المللی سرمایه داری بود. نظریه پرداز هائی هم داشت. مثل راثول پریش، پل باران، سمیر امین بعد در ایران مسعود احمد زاده، در مقابلش یک نظریه دیگری هم هست که سیستم جهانی را داریم که فقر را نتیجه مستقیم نظام اقتصادی سیاسی بین‌المللی می‌دونه، تقسیم کار توی این نظام به زیان کشورهای فقیر در اقتصاد جهانی تغییر شاخص هائی در دوران که امروز دوران گلوبالیزاسیون ، یعنی همه اقتصاد کشورها در سیستم ادغام شدند همه به هم وابسته اند. شما یک توضیح بدید در این باره نظرتون چیه؟

پاسخ: ببینید اولاً این که اقتصادهای سرمایه داری در هم ادغام شده این حرف جدیدی نیست. اگر شما به مانیفست حزب کمونیست در سال ۱۸۴۸ بوسیله مارکس و انگلس نوشته شده مراجعه کنید ، آن جا تأکید می‌شه که یکی از خصوصیات سرمایه داری اینه که جهانی یک شکل ، شکل بده. بازاری جهانی شکل بده و خب این کار در آن مقطع یک جهت گیری بود و یک گرایش بود و به تدریج جلو آمد و ما حالا دیگه الان به جایی رسیدیم که سرمایه داری وارد مرحله امپریالیسم شده و این جهان [یک شکل] را با بازاری جهانی کاملاً شکل داده، اقتصاد ها را به هم تنیده کرده و پیش می‌ره. من متوجه هستم که در میان مخالفین جمهوری اسلامی و حتی میان مخالفین چپ جمهوری اسلامی کسانی هستند که این وابستگی‌ها را قبول ندارند. اتفاقاً وقتی که گفتم رفیق مسعود احمد زاده یکی از طرفداران این تئوریه. خب ما هم یکی از طرفداران رفیق مسعود احمد زاده هستیم. ما از این تئوری دفاع می‌کنیم و آن را منطبق با واقعیت می‌بینیم.

حالا اگر بخوام بیشتر توضیح بدم ، ببینید وقتی که سرمایه داری وارد مرحله امپریالیسم می‌شه که این روزها البته با تحولاتی که شده خیلی‌ها دیگه دوست ندارند که این کلمه امپریالیسم را بکار ببرند ، شما اگر به مصاحبه‌هایی که می‌کنید دقت کنید، مراجعه کنید، [می‌بینید که] از قدرت‌های جهانی، قدرت‌های بزرگ اسم می‌برند ولی از امپریالیسم و امپریالیسم امریکا مثل این که به کمی دُمده شده، در حالی که در واقعیت آن چیزی که ما در صحنه می‌بینیم اینه که الان همین قدرت‌های امپریالیستی هستند که دارند این جهان تقسیم شده را تلاش می‌کنند که باز هم بیشتر تقسیمش کنند و هر کدام هم سعی می‌کنند بسته به قدرت اقتصادی و نظامی اش سهم بیشتری از این تقسیم نصیبش بشه. اتفاقاً کاری که الان دولت ترمپ داره پیش می‌بره به آشکاری بیانگر درست همین روند است. درسته که اگر می‌گوئیم اقتصاد جهانی شده همه به هم وابسته اند و اصلاً معتقد به بازار آزاد و اون نئو لیبرالیسمی که ادعا می‌شد، هستیم. خب شما الان سیاست‌های ترمپ را ببینید با همه جنگ تجاری راه انداخته برای هر کدام از این کشورها برای چین ، برای اتحادیه اروپا ، برای روسیه؛ با این مسئله تحریم با این بالا بردن نرخ گمرک ها شون هزار تا مشکل ساخته. همین چند روز پیش برای مکزیک داره دبه در میاره که یک سری چیزهاشو، [تعرفه های] گمرک هاشو ببره بالا.

این نشون می‌ده که در اصل امپریالیست ها خواهان سهم بیشتری از این بازار هستند و تلاش هم می‌کنند. خب یکی قدرت نظامی بالائی داره به اون بیشتر تکیه می‌کنه در این کار؛ یکی هم از طریق قدرت اقتصادیش می‌خواد پیش

ببره. به هر حال اگر تقسیم‌بندی که شما کردید را مد نظر داشته باشید، بله ما طرفدار تئوری وابستگی هستیم و معتقد هستیم که اقتصاد ایران وابسته به امپریالیسم هست چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی. چون وقتی که اقتصاد وابسته باشه به طور طبیعی سیاست هم با خودش میاره و اون هم دنباله رو همون اقتصاد است و اگر هم بریم و جامعه ایران را بررسی کنیم ساخت اقتصادی ایران را بررسی کنیم می بینیم که دوره شاه که هیچ‌کس شکی نداشت، همه قبول داشتن که این وابسته است و این را همه می گفتند. می بینیم که بعد از دوران شاه هم این روندها ادامه پیدا کرده و نقش بخصوص بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و رهنمودهای آن‌ها را بعینه ما می‌تونیم در اقتصاد ایران ببینیم. همین مسأله سوبسید ها که احمدی نژاد بالاخره حلش کرد. مسئله قوانین ضد کارگری خیلی شدید تر که خاتمی مسأله اش را حل کرد و بعد هم اون مسأله پائین آوردن ارزش پول ملی که این رو هم روحانی در چند سال گذشته پیش برد و یکباره ارزش پول کشور چند برابر پائین آورد.

ما می بینیم همه این‌ها رهنمودهای آن نهادها است. این‌ها دارند اجراش می‌کنند و اینکه در اقتصاد موجود در سطح جهان همه اقتصادها با هم رابطه دارند شکی نیست ولی وابستگی یعنی که جهت حرکت این سرمایه داری ایران را سرمایه داری جهانی و امپریالیستها تعیین می کنند. ما با این نگاه وقتی که برویم توی واقعیت ایران می بینیم که همه کارهایی که داره می‌شه در این جهت است.

پرسشگر: بعد این نبود روابط رسمی سیاسی بین دو طرف بین ایران و امریکا این را چطوری توضیح می‌دهید؟

پاسخ: ببینید هر موردی را باید تحلیل مشخص از شرایط مشخص کرد. یک موقعی جامعه ایران دچار انقلاب شد و در این انقلاب یک جو بالای ضد امپریالیستی حاکم بود، فکر کنم شما سنتون مثل من می‌رسه به همون دورانی که این انقلاب جریان داشت.

پرسشگر: بله

پاسخ: خب ما شاهد بودیم که حتی همان روزی که شاه از ایران رفت مردم شعار میدادند "بعد از شاه نوبت امریکاست". پس ما با یک رژیم وابسته به امپریالیسم به نام رژیم سلطنت مواجه بودیم که مردم علیه اش بلند شده بودند و حامیان امپریالیستش و بخصوص امریکا هم به عنوان حامی این رژیم آماج نفرت و حمله خودشون قرار داده بودند. بعد برای این که این جو تغییر کند نمی‌شد رژیم روی کار بیاید که بگه بنده با امریکا خیلی دوست و رفیق و همگام هستیم. همون موقع در مطبوعات خود امریکا و در اظهار نظر خود مقامات امریکا خیلی روشن گفته می‌شد که در ایران شرایط طوری است که رژیم حاکم باید علیه امریکا شعار بده و ما دیدیم که این‌ها شروع کردند و بعد هم با سفارت این را تشدید کردند. با فحش دادن به امریکا و با شعار دادن علیه امریکا در واقع رابطه با امریکا و منافع امریکا را در ایران حفظ کردند. حالا چطوری، مثلاً درسته که روابط دیپلماتیک نداشتن اما ببینید هیچ روزی نبوده که این‌ها زیر زیرکی و به قول معروف دور از چشم مردم رابطه نداشته باشند، همه جا داشتند. و این را هم بتدریج رو شده. من یک موردش را قبلاً توضیح دادم مثل سفر مک فارلن. ولی حالا بگذارید یک مثال دیگه برایتان بزنم. همین اخیراً توی دعوای خودشون رو شد که در دوره احمدی نژاد یک بنیادی بوده به نام بنیاد مولانا که در بودجه کشور ردیف مالی داشته. یعنی می‌گفتند اینقدر میلیون برای بنیاد مولانا.

حالا این مولانا چی بوده جریانش. یک سید حمید مولانا بوده که یکی از آموزش دیده های امریکاست و اساساً در دانشگاهی که جاسوس آموزش می دهند پرورش پیدا کرده و خودش را استاد علوم سیاسی جا می زده و ایشون مشاور سیاسی احمدی نژاد بوده. بعد از این که احمدی نژاد هم رفته دیگه کسی نفهمیده ایشون کجا رفته. یعنی ما فکر نکنیم که مسأله این که ما می گیم وابسته است به فلان همین طور ساده است. یا این که ما می گیم که اینا به هم فحش می دهند اون زیر با هم رابطه ندارند. چرا هزار تا رابطه دارند و با هم مسائلشون را پیش می برند و نمی تونه هم نداشته باشند.

ولی خب یک شرایطی پیش می آید که آن ها از نوکران ، حالا من با این کلمات می گم، اربابان از نوکرانشان یک انتظاراتی دارن و یک خطوطی را برایشان می گذارند که اون به نفعشون است. نه این که بیایند مثلاً مثل دوران شاه. شاه تلفن می کرد به راکفلر می گفت من یک صندلی وزارت برای تو گذاشته ام. شوخی با هم می کردند. این جا دیگه نه. این باید برگرده فحش بده بگه این اوباما با ترمپ هیچ فرقی با هم ندارند، هر دوشون آدم های بدی بودند. این را باید بگه؛ باید شعار ضد امریکائی را بده، ولی در زیر همون خطی را پیش ببره که به نفع آن هاست. ما به جایی که به ظاهر مسائل نگاه کنیم بریم به واقعیت ها نگاه کنیم. در واقعیت خطوطی را که جمهوری اسلامی پیش برده همه جا به نفع امریکا بوده. خب این را وقتی که ما نگاه می کنیم می بینیم این واقعیه، نه اون تبلیغات ریا کارانه.

پرسشگر: آقای سنجرى در پایان شما تأکید کردید روى نقش و وظیفه نیروهای اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی. آیا تاکيدتون همون صدای سوم است نه به جنگ نه به جمهوری اسلامی؟

پاسخ: مهم نیست ما این را با چه کلماتی بکار ببریم. ما علیه جمهوری اسلامی هستیم برای نابودیش مبارزه می کنیم. جمهوری اسلامی را مانع اصلی رسیدن مردم خودمون و کارگران و اقشار مختلف زحمتکش جامعه به آزادی و رهائی می بینیم و معتقد هستیم که باید حتماً این جمهوری اسلامی از صحنه خارج کرد و از این طرف هم با توجه به تنیدگی جمهوری اسلامی با امپریالیسم و نظام جهانی امپریالیستی ، معتقدیم که این موضع نابودی جمهوری اسلامی و رهائی طبقه کارگر وقتی به رهائی خلق های ستم دیده ما منجر می شه که ما توانسته باشیم سلطه امپریالیستی را در ایران توأماً نابود کرده باشیم و یعنی در واقع نظام سرمایه داری وابسته را نابود کرده باشیم. در این صورت است که ما با یک انقلاب بزرگ می تونیم مردم و کارگر ها را به آزادی و رهائی برسونیم. ما باید هم علیه تجاوز و جنگ و تجاوز گری امپریالیستی باشیم و هم علیه جمهوری اسلامی و کار خودمون را پیش ببریم. بعضی ها با تکیه بر بعضی تجربیات تاریخی فکر می کنند که در دعوی دزدها همواره باید طرف یکی را گرفت علیه اون یکی. نه ، وقتی دزدها با هم می جنگند ، وقتی دزدها با هم دسیسه می چینند نیروی انقلابی الزامی نیست که بره طرف یکی ، باید علیه هر دو با صف مستقل خودش پیش بره.

به باور ما اگر می خواهیم در شرایط کنونی کنار مردم خودمون، کنار طبقه کارگر باشیم و واقعاً خواست ها و آرمان ها و مطالبات آن ها را پژواک بدیم ، باید هم بر علیه جمهوری اسلامی باشیم و هم بر علیه امپریالیسم.

پرسشگر رادیو همبستگی: بسیار سپاسگزارم از حضورتون در این گفتگو ، آقای فریبرز سنجرى از چریک های فدائی خلق ایران

فریبرز سنجرى: من هم متقابلاً و دو باره از شما تشکر می کنم که یک چنین امکانی را فراهم کردید تا من با شنوندگان رادیوی شما در ارتباط قرار بگیرم. امیدوارم که پاسخگوی پرسش های شما بوده باشم.

پرسشگر: متشکر از شما. روزتان خوش.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۳۹ ، خرداد ماه ۱۳۹۸

یادداشت:

به نسبت زبان گویش، ویراستاری نشده است.

اداره پورتال AA-AA